



# فضایل مدینه

ابی سعید المفضل بن محمد بن ابراهیم

الجندی الیمنی المکی

«متوفی به سال ۳۰۸.ه.ق»

تحقیق: محمد مطیع الحافظ - غزوه بدر

ترجمه و تحقیق: اصغر قائدان

مقدمه مترجم

به یقین کتاب فضائل المدینه، تألیف ابی سعید الجندی الیمنی المکی متوفی به سال ۳۰۸ هجری قمری، یکی از با ارزش‌ترین و قدیمی‌ترین آثار باقیمانده در ارتباط با مدینه منوره است و می‌توان گفت از لحاظ سابقه و قدمت، چهارمین کتابی است که از ابتدای اسلام تاکنون در مورد مدینه، شهر پیامبر - ص - به نگارش درآمده است. و پس از تاریخ المدینه ابن شبه، متوفی سال ۲۶۲ از اهمیت به سزائی برخوردار است.

در استناد این کتاب به جندی هیچگونه شکی نمی‌توان روا داشت. رساله خطی آن توسط عمر بن محمد بن ابی یعقوب بن محمد بن العباس قزوینی - از شاگردان حافظ بن عساکر مورخ و محدث بزرگ دمشق و صاحب تاریخ مدینه دمشق - نگاشته شده است. کسانی که این روایات را خود شنیده‌اند، با ذکر تاریخ در هامش نسخه آن را تأیید نموده‌اند. نسخه خطی این رساله که در تصحیح به عنوان نسخه اصلی مورد استفاده قرار گرفته، دارای تاریخ کتابت ۵۴۸ بوده و نام کاتب که یکی از شاگردان ابن عساکر است در پایان آن دیده می‌شود. نسخ کهن این رساله قطعاً متعلق به نیمه اول قرن ششم هجری است؛ از این رو تاریخ کتابت این رساله قابل اعتماد است. شایان ذکر است اکثر روایاتی که مؤلف فراهم کرده است - جز چند حدیث - بطور غیر مستقیم و غیرملموس به فضیلت این شهر مقدس مربوط است.

مجموعه این رساله خطی، چهارده صفحه است که با شماره ۷۱ در کتابخانه ظاهریه دمشق نگهداری می‌شود و توسط مطبع الحافظ و غزوه بدیر استنساخ و تصحیح گردیده است. و در سال ۱۴۰۵ توسط انتشارات دارالفکر دمشق به عرصه چاپ سپرده شده است. راویان الجندی عمدتاً ابوحماد و ابومصعب و محمد بن یوسف هستند که مؤلف همه جا لفظ «حدثنا»؛ یعنی

«به ما گفت» را به کار برده و این مطلب بیانگر این است که خود شخصاً این روایات را از راویان شنیده است. این راویان به ترتیب عبارتند از: ابوقره ابن جریح و هشام بن عروه که در حقیقت آخرین آنها «هشام بن عروه» از تابعین است و او این روایات را از مالک بن انس، عبدالله بن عمر، سعد بن ابی وقاص و سایر صحابه نقل کرده است که این امر بر اهمیت این احادیث می‌افزاید. و ما برای اختصار صرفاً نام اولین و یا آخرین راوی حدیث را ذکر کرده و در ترجمه نهایت امانتداری به عمل آمده است. تعداد زیادی از احادیث ثبت شده در این رساله، با احادیث شیعه و منابع شیعی سازگار است و مترجم تلاش نموده تا برای تطبیق این احادیث با روایات شیعه در ادامه پاورقیهای مصحح به منابع یا روایات شیعه ارجاع دهد.

در پایان قابل ذکر است که بسیاری از روایات الجندی را محققین بعدی تاریخ مدینه از جمله سمهودی و ابن نجار و دیگران مورد استفاده قرار داده‌اند.

امید است ترجمه این رساله نفیس و با ارزش که شاید چندان هم‌رسا و سلیس نباشد، مورد استفاده علاقمندان به شهر پیامبر - ص - مدینه‌النبی قرار گیرد.

والسلام - مترجم - ذی الحجه ۱۴۱۳

در پایان همین کتاب وثاقت وی به خط  
ناسخ و شاگرد حافظ بن عساکر اشاره شده  
است.

### شرح حال مؤلف:

ابی سعید المفضل بن محمد بن ابراهیم بن  
مفضل بن سعد بن الامام عامر بن شراحیل  
الشعبی الکوفی الجندی المکی، قاری و  
محدث (قرن سوم هجری) است. لقبش  
الجندی منسوب به جند از مناطق مشهور یمن  
می باشد.

### شاگردان جندی

- ۱ - ابوبکر بن مجاهد
- ۲ - عبدالواحد بن ابی هاشم
- ۳ - ابوالقاسم الطبرانی
- ۴ - ابوحاتم بستی
- ۵ - ابوبکر بن المقرئ
- ۶ - ابوجعفر العقیلی
- ۷ - ابو احمد بن عدی
- ۸ - محمد بن سعید ابن عبدان و غیره...

### اساتید جندی

جندی اساتید فراوانی داشته است که  
بعضی از آنها عبارتند از:

۱ - صامت بن معاذ الجندی

۲ - محمد بن عمر العذی

۳ - ابراهیم بن محمد الشافعی

۴ - ابو حمد محمد بن یوسف

۵ - علی بن زیاد اللججی

۶ - حسن بن علی الحوانی

### وفات وی

وی - رحمه الله - در جمادی الأولى سال  
۳۰۸ هجری قمری در مکه وفات یافت. اکثر  
مؤرخین وفات وی را در این تاریخ ثبت و  
گزارش کرده اند جز سمعانی (صاحب  
الأنساب) که وفات وی را پس از سال ۳۱۰ ذکر  
کرده است.

### وثاقت و علم جندی

عقیلی گوید: به مکه رفتم، در  
مسجد الحرام برای ابی سعید الجندی حلقه و  
محفل (درسی) دیدم حافظ نیشابوری وی را  
ثقه (امین) دانسته و سمعانی نیز می گوید وی  
حدیث بسیاری روایت کرده است و الذهبی  
(صاحب تاریخ الاسلام و...) وی را محدث  
مکه دانسته است.

### تالیفات جندی:

- ۱ - فضائل مکه: بخشی از آن در کتابخانه  
ظاهریه در دمشق به شماره ۳۳۰ (ص ۴۵ -  
۵۲) نگهداری می شود.
- ۲ - فضائل مدینه: نسخه ای از آن در کتابخانه  
ظاهریه به شماره مجموعه ۷۱۶ (۶۲ - ۶۹)

۳ - علی النصیبی در ۲۸ شعبان ۶۲۲ در موجود است.

منزل شنونده.

۴ - علی النصیبی در مسجد جامع دمشق

در ۶ جمادی الآخر سال ۶۳۰ هـ.

۵ - مورد دیگری از علی النصیبی، در

دارالسنه (دارالحديث النوریه)

۶ - بر ام احمد خدیجه بنت احمد بن

عبدالدائم بن نعمه در ۱۲ ربیع الآخر سال ۶۸۳

هـ. خوانده شد.

۷ - بر حافظ القاسم بن محمد بن یوسف

البرزالی در سال ۷۳۵ در مدرسه نوریه نیز

خوانده شد.

با توجه به چنین مسائلی است که ارزش

نسخه و وثاقت آن برای ما روشن می‌گردد.

نسخه مذکور از حافظ بن عساکر نقل شده

است. سپس علمای دیگری آن را از وی و

شاگردانش تا قرن ششم و حتی قرن هشتم

برگرفته و بر آن شنیده‌های دیگری افزوده و

نسخه‌های متعددی نیز از آن تحریر و نقل یافته

است.

#### تألیف:

ابی سعید المفضل بن محمد بن ابراهیم

الجنندی المکی - رحمه الله - به روایت ابی بکر

محمد بن ابراهیم بن علی بن عاصم بن راذان

بن المقرئ الإصفهانی.

به روایت ابی القاسم ابراهیم بن منصور بن

ابراهیم المعروف به سبط بحرویه.

#### منابعی که شرح حال وی را نگاشته‌اند:

الأنساب سمعانی - معجم البلدان، ج ۲،

ص ۱۷۰ - العبر، ج ۲، ص ۱۳۷ - البدایه

والنهايه، ج ۱۱، ص ۱۳۱ - مسير، ج ۲ - اعلام

النبلاء ۲۵۷/۱۴ - طبقات القراء ۳۰۷/۲ -

لسان المیزان ۸۱/۶ - شذرات الذهب، ص

۲۵۳ - الرسالة المستطرفه، ص ۶۰ -

برگزیده‌ای از نسخ خطی کتابخانه ظاهریه.

وصف نسخه اصل (که در تصحیح بدان

اعتماد شده است):

در تحقیق این کتاب بر نسخه‌ای منحصر

بفرد که در کتابخانه ظاهریه به شماره مجموعه

۷۱ از ص ۶۹ - ۶۲ نگهداری می‌شود، اعتماد

کرده‌ایم. نویسنده این نسخه عمر بن محمد بن

ابی یعقوب بن محمد بن العباس (القزوينی) از

شاگردان حافظ بن عساکر است که در سال

۵۴۸ آن را از وی (استادش) شنیده است؛

چنانکه در بیان سماعات (در پایان کتاب) ذکر

خواهد شد.

#### کسانی که روایات جندی را شنیده‌اند:

۱ - در جامع دمشق در تاریخ ربیع الآخر

۵۴۸ بر حافظ بن عساکر خوانده شد.

۲ - علی ابن الغنائم المسلم بن احمد

النصیبی - بر حافظ بن عساکر در ۱۷ شعبان

۶۲۲ هـ.

مدینه دعا می‌کنم همانند آنچه که ابراهیم - ع - برای اهل مکه خواست. از تو می‌خواهم که در صاع و مُدّ (اوزان گندم و جو و...) و میوه‌های آنها برکت دهی. خدایا! مدینه را بر ما دوست بدار همانطور که مکه را برای ما دوست داشته‌ای و آنچه که از وبا و بیماری در این شهر است را به خم<sup>۷</sup> بریز. خداوند! من حره‌های آن را حرم قرار دادم همانگونه که مکه را بر ابراهیم حرم<sup>۸</sup> قرار دادی.

۲ - محمد بن یوسف... از محمد بن المنکدر نقل کرده است که رسول خدا - ص - می‌فرمودند: «بار خدایا! ابراهیم تو را برای (مردم) مکه خواند و من تو را برای (مردم) مدینه می‌خوانم به آنچه که ابراهیم بر (مردم) مکه خواند.

۳ - ابوحمه نقل کرده است، زمانی که میوه‌های مدینه می‌رسید آن را ابتدا نزد رسول خدا - ص - می‌آوردند و آن حضرت همانگونه بر میوه‌های آنها دعا می‌فرمود<sup>۹</sup> و آن را به کوچکترین طفلی که می‌دیدند می‌دادند.

۴ - ابومصعب از پیامبر - ص - مثل این حدیث را نقل کرده است.

۵ - ابومصعب... از انس بن مالک نقل کرده است رسول خدا - ص - فرمود:  
«بار خدایا! در اوزان آنها (مردم مدینه) برکت ده و در صاع و مُدّ آنها؛ یعنی اهل مدینه<sup>۱۰</sup> نیز برکت ده.

۶ - محمد بن یوسف... از هشام بن عروه

به روایت شیخ الإمام الأوحّد الأديب، ابی عبدالله الحسین بن عبدالملک الخلال. بنا بر آنچه شیخ الإمام العالم الحافظ الثقه العدل صدر الحافظ ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبة الله ابن عبدالله الشافعی ما را بنا بر آنچه عمر بن محمد بن ابی یعقوب بن محمد العباس نفعه الله بالعلم... خبر داد:

بسم الله الرحمن الرحيم - شیخ الإمام شافعی دمشقی<sup>۱</sup> از شیخ الإمام الأديب ابوعبدالله الحسین بن عبدالملک بن الحسن الخلال<sup>۲</sup> الاصفهانی روایت می‌کند که این نسخه در صفر سال ۵۳۲ در اصفهان بر وی خوانده شد و او آن را مورد تأیید قرار داد. وی گوید: ابراهیم بن منصور بن ابراهیم سبط بحروه<sup>۳</sup> ما را خبر داد که این نسخه بر وی نیز خوانده شده و من (خلال اصفهانی) آن را در جمادی الأولى سال ۴۵۱ شنیدم.

سپس گوید: ابوبکر محمد بن ابراهیم بن علی بن عاصم بن المقرئ<sup>۴</sup> از ابی سعید المفضل بن محمد بن ابراهیم الجندی - رحمه الله - نقل کرده که:

در باب فضائل مدینه آمده است که آن حضرت برای ساکنین و حرمت این شهر مقدس دعا کرد و میان حره<sup>۵</sup> نزد خانه‌های محله سقیّا<sup>۶</sup> نماز گزارده، سپس فرمودند:

«بار خدایا! ابراهیم بنده و رسول تو، برای اهل مکه در پیشگاه تو دعا کرد. براستی که من محمد بنده و پیامبر و رسول تو برای ساکنین

نیز آن را دوست داریم هنگامی که نزد آن آمدید از درخت و میوه آن بخورید، حتی اگر از درخت ام غیلان [تلخ‌ترین درختان مدینه] باشد».<sup>۱۶</sup>

### فضائل مدینه

۱۲ - ابوسلمه یحیی بن مغیره مخزومی... از عمره دختر عبدالرحمان نقل کرده است که می‌گفت: «مروان بن حکم<sup>۱۷</sup> در مکه خطبه‌ای خواند و فضل و برتری این شهر را یادآور شد و در مورد آن بسیار سخن گفت، رافع بن خدیج<sup>۱۸</sup> که نزد منبر او نشسته بود خطاب به مروان گفت: برتری و فضل مکه را ذکر کردی؛ آری همانگونه است که گفتی، لیکن آنچه که در فضل مدینه ذکر شده را نشنیده‌ای.

شهادت می‌دهم که شنیدم رسول خدا - ص - می‌فرمود: «الْمَدِينَةُ أَفْضَلُ مِنْ مَكَّةَ»<sup>۱۹</sup> = مدینه از مکه برتر است.»

۱۳ - عبدالجبار بن العلاء... از سعد بن ابی وقاص روایت کرده است که رسول خدا - ص - فرمودند: «ملائکه و فرشتگان، مدینه را احاطه کرده‌اند، بر هر گذر و شکاف از این شهر فرشته‌ای نگهبان است و آن را محافظت می‌کند».<sup>۲۰</sup>

۱۴ - عبدالجبار... از همو نقل می‌کند: پیامبر - ص - فرمودند: «طاعون و دجال (ستمگر و دروغگو) داخل این شهر؛ یعنی مدینه نمی‌شود.»

نقل کرده است که رسول خدا - ص - فرمود: «بار خدایا! مدینه را بر ما دوست بدار همانگونه که مکه را بر ما دوست داشته‌ای و حتی بیشتر از آن، و آن را بر ما صحت و سلامت دار و در مُدَّ و صاع آن بر ما برکت ده و تب و درد آن را در جحفه<sup>۱۱</sup> بریز.»<sup>۱۲</sup>

۷ - ابوحمه... از ابی بکر و بلال مشابه این حدیث را روایت کرده است.

### در باب فضائل أُحُد

۸ - ابوحمه... از انس بن مالک نقل کرده است:

همراه رسول خدا - ص - بودیم که کوه احد بر ما ظاهر گردید. پیامبر - ص - فرمودند: «هَذَا جَبَلٌ يُحِبُّنَا وَ نُحِبُّهُ»<sup>۱۳</sup> = این کوه ما را دوست دارد و ما نیز آن را دوست داریم.»

۹ - ابو حمه... از انس بن مالک نقل کرده است:

«رسول خدا - ص - هنگامی که کوه أُحُد بر وی آشکار شد، فرمودند: این کوه ما را دوست می‌دارد و ما نیز آن را دوست داریم. با خدایا! ابراهیم - علیه‌السلام - مکه را حرم قرار داد و من بین دو حره را حرم قرار می‌دهم».<sup>۱۴</sup>

۱۰ - ابوحمه... از عروه پدر هشام مشابه این حدیث را نقل کرده است.<sup>۱۵</sup>

۱۱ - احمد بن ابی بکر... از انس بن مالک روایت کرده است که رسول خدا فرمود:

«احد کوهی است که ما را دوست دارد و ما

- ص - سه بار فرمودند: «خداوند کسی را که مدینه را یثرب نامید پیامرزد؛ این شهر طیبه است».<sup>۲۶</sup>

۲۱ - ابوحمه... مثل این حدیث را نقل کرده است.

۲۲ - ابومصعب از پیامبر - ص - نقل کرده است «... می‌گویند «یثرب» و آن «مدینه» است».

۲۳ - ابی عمرو سعید... از جابر نقل کرده‌اند: «عربی (بادیه نشین) وارد مدینه شده و با رسول خدا - ص - بر اسلام بیعت کرد، سپس از اسلام برگشت. وقتی رسول خدا - ص - آمد، وی گفت: ای رسول خدا، بیعت مرا فسخ کن، پیامبر - ص - امتناع فرمود، باز نزد آن حضرت آمد و گفت: «اقلنی بیعتی» باز پیامبر - ص - پرهیز کرد وی که برای بار سوم همان سخن را از پیامبر - ص - شنید بناچار از مدینه خارج شد. [پس از خروج وی] رسول خدا - ص - فرمودند: «مدینه همانند دم آهنگری است که زنگار و ناراستی‌های آهن را می‌ریزد و پاکیهای آن را روشن و آشکار می‌کند [کنایه از اینکه مدینه این فرد مرتد و از دین برگشته را از خود رانده است].»

۲۴ - ابومصعب... از جابر مثل این حدیث را روایت کرده است.

۱۵ - ابومصعب از پیامبر - ص - نقل می‌کند: «بر شکافها و راههای مدینه ملائکه‌ای هستند که آن را از طاعون و دجال<sup>۲۱</sup> محافظت می‌کنند که داخل این شهر نشوند».

۱۶ - ابوحمه... مثل این حدیث را از پیامبر - ص - نقل کرده است.

۱۷ - ابوحمه از رسول خدا - ص - نقل می‌کند:

«ایمان در مدینه انباشته شده است؛ همانگونه که مار در آشیانه و لانه خود جمع می‌شود».

۱۸ - ابوحمه از رسول خدا - ص - نقل می‌کند:

«ایمان سرعت می‌گیرد تا در مدینه جمع شود؛ همانگونه که مار به سرعت در لانه‌اش جمع می‌شود».<sup>۲۲</sup>

**در باب اسامی مدینه و کسی که آن را یثرب نامید**

۱۹ - محمد بن یحیی... از رسول خدا - ص - روایت کرده است:

«به [ورود] شهری امر شدم که خورنده شهرها است<sup>۲۳</sup> و آن یثرب<sup>۲۴</sup> و مدینه است که مردم (ستمگر) را می‌راند همانگونه که دم آهنگر زنگار آهن را از بین می‌برد».<sup>۲۵</sup>

۲۰ - ابن ابی عمرو سعید... از عبدالرحمان بن ابی لیلی روایت کرده است که رسول خدا

آن را نقل کرده است.

۳۱ - ابو حمه از تعدادی از اصحاب رسول خدا - ص - نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

«کسی که اهل مدینه را بترساند خداوند - عزوجل - او را خواهد ترساند.»<sup>۳۳</sup>

### در باب شفاعت رسول خدا - ص -

۳۲ - ابو حمه... از یحس غلام زبیر نقل می‌کند:

وی در یکی از دورانهای سختی و فتنه، نزد ابن عمر نشستند بود که بنده‌ای نزد ابن عمر آمد و به وی گفت: ای ابا عبدالرحمان، تصمیم گرفته‌ام از مدینه خارج شوم، زمانه بر ما سخت گرفته است، عبدالله بن عمر به او گفت: بنشین، من از رسول خدا - ص - شنیدم می‌فرمودند: «کسی بر سختیها و شدائد مدینه صبر نمی‌کند جز آنکه من روز قیامت شفیع یا شاهد او هستم.»<sup>۳۴</sup>

۳۳ - ابو حمه... مثل این را نقل کرده است.<sup>۳۵</sup>

۳۴ - محمد بن عبدالله بن یزید... مثل این را نقل کرده است.<sup>۳۶</sup>

### «در باب کسی که سکونت در مدینه را بر شهر دیگر ترجیح دهد»

۳۵ - ابن ابی عمر... از هشام پدر عروه نقل می‌کند رسول خدا - ص - فرمود:

«در باب کسانی که نسبت به مدینه نظر سوء داشته و اهالی آن را می‌ترسانند.»

۲۵ - ابن ابی بزه<sup>۲۷</sup> از ابا عبدالله القراط نقل می‌کند:

«کسی که مردم مدینه را بترساند خداوند وی را در آتش ذوب خواهد کرد؛ همانگونه که نمک در آب حل می‌شود.»<sup>۲۸</sup>

۲۶ - محمد بن یحیی و سعید... نقل کرده‌اند که رسول خدا - ص - فرمود:

«کدامین ستمگری است که به مدینه نظر سوئی داشته باشد تا خداوند وی را همانند نمکی که در آب حل می‌شود در آتش جهنم ذوب نماید. کسی بر سختیها و شدت‌های این شهر صبر نمی‌کند جز آنکه من شاهد و شفیع او در روز قیامت هستم.»<sup>۲۹</sup>

۲۷ - عبدالجبار... از سعد و او از رسول خدا - ص - مثل این روایت را نقل کرده است.<sup>۳۰</sup>

۲۸ - عبدالله بن یزید... از سعد پدر عامر نقل می‌کند که رسول خدا - ص - فرمودند:

«کسی بر اهل مدینه اراده سوء نمی‌کند جز آنکه خداوند وی را در آتش جهنم با سرب گداخته، ذوب می‌کند؛ همانگونه که نمک در آب (یا به وسیله آب) حل می‌شود.»<sup>۳۱</sup>

۲۹ - ابو حمه... از ابی عبدالله القراط مثل آن را روایت کرده است.<sup>۳۲</sup>

۳۰ - ابو حمه... از رسول خدا - ص - مثل



۴۲- ابو علقمه موینی... از ابا سعید خدری از پیامبر - ص :-  
 «مسجد من همان مسجدی است که بر تقوا بنیان نهاده شده است». ۴۱ و ۴۰

۴۳- ابن ابی عمر و سعید... از یزید پدر خارجه روایت می‌کنند: «مسجدی که از اولین روز بر پایه و اساس تقوا بنیان یافت، مسجد رسول الله - ص - بود».

۴۴- زبیر بن کار از خارجه بن زید... از پیامبر - ص - مثل آن را روایت کرده است.

۴۵- زبیر از... ابی سعید خدری نقل می‌کند: «دو تن از انصار در تعیین مسجدی که بر اساس تقوا بنا شده است، دچار اختلاف شدند. از رسول خدا - ص - پرسیدند آن حضرت فرمودند: «مَسْجِدِي هَذَا». ۴۲

۴۶- زبیر... از ابی بن کعب از پیامبر - ص - مثل آن را روایت کرده است.

۴۷- ابن ابی عمر و سعید... از راشد بن سعد روایت کرده است: پیامبر - ص - عبدالله بن رواحه و یارانش را دیدند که چوب درخت خرما و قطعه‌ای از نی دست آنها بود و آن را به مسجد می‌مالیدند. عبدالله بن رواحه گفت: «یا رسول الله چه می‌شد ما مسجدمان را مثل مسجد شام ۴۳ می‌ساختیم». در این حال پیامبر - ص - آن چوب و نی را از دست آنها گرفته و به گوشه‌ای انداختند؛ آنگاه فرمودند: «تنها تخته و درخت! و سایبانی خواهم چون سایبان موسی».

«کسی - علی رغم رغبت سکونت در مدینه - از این شهر خارج نمی‌شود، جز اینکه خداوند بهتر از مدینه را برای وی جایگزین می‌نماید». ۳۷

۳۶- محمد بن یحیی... از سفیان بن ابی زهیر نمیری روایت کرده است: «شنیدم رسول خدا - ص - می‌فرمود: یمن فتح می‌گردد، سپس قومی خواهند آمد که دچار بلا و آزمایش می‌شوند و با خاندان و تابعین خود آن را متحمل می‌شوند. پس مدینه برای آنها بهتر است اگر می‌دانستند»<sup>۳۸</sup> در مورد شام و عراق نیز مثل آن گفته شده است».

۳۷- ابو حمه... از سفیان ابن ابی زهیر مثل آن را نقل کرده است.

۳۸- ابو حمه... از سفیان و از پیامبر - ص - مثل آن را روایت کرده است جز اینکه در حدیث وی نامی از شام نیست.

۳۹- ابو مصعب... از ابی زهیر به همین معنی روایت کرده است.

۴۰- ابو حمه... از عروه به همین معنا روایت کرده است.

**«در باب مسجد النبی و منبر و قبر و آنچه که درباره آن روایت شده است»**

۴۱- سلمه و عبدالله بن ابی غسان... از رسول خدا - ص - روایت کرده‌اند:  
 نماز در مسجد من از هزار نماز در مسجد دیگر جز در مسجد الحرام برتر است». ۳۹

خدا - ص - نزد درخت آمده و آن را دربرگرفت و لمس نمود تا اینکه آرامش یافت، حسن بصری می‌افزاید: سبحان الله این درخت در فراغ رسول خدا ناله سر می‌دهد پس ما که انسان هستیم در فراغ او چه خواهیم کرد!<sup>۴۶</sup>

۵۰ - ابن ابی عمر و سعید... از بشر بن عاصم نقل می‌کنند:

عمر بن خطاب تصمیم گرفت مسجد پیامبر - ص - را توسعه دهد. عباس بن عبدالمطلب خانه‌ای در کنار مسجد داشت و علیرغم اصرار خلیفه بر فروش خانه، عباس راضی نمی‌شد. عمر گفت هر کسی را که می‌خواهی بین خود و من قاضی و حکم قرار ده پس ابی بن کعب (قاری و قاضی مدینه) را حکم قرار داده و وی را از ماجرا آگاه ساختند. ابی بن کعب گفت: خداوند - عزّ وجل - به سلیمان بن داوود وحی نمود که بیت‌المقدس را بنا کن، زمین آن متعلق به مردی بود و سلیمان آن را از وی خرید پس وقتی معامله آنها تمام شد صاحب زمین به سلیمان گفت: این زمین بهتر است یا آنچه که به من [بابت] آن داده‌ای؟ (کنایه از اینکه من سود کرده‌ام یا تو) سلیمان گفت: آنچه از تو گرفته‌ام بهتر است. مرد گفت: پس من اجازه نمی‌دهم و معامله را بر هم زد. سلیمان برای بار دوم آن را (با قیمت بیشتری) از وی خرید و همان سؤال تکرار شد و باز سلیمان گفت این زمین بهتر است. آن مرد مجدداً معامله را بر هم زد. برای بار سوم همان

۴۸ - ابن عمر و سعید از پدر هشام نقل کرده‌اند:

«عمر بن خطاب اولین کسی بود که در کف مسجد رسول خدا - ص - سنگریزه پهن کرد (تا گردد و خاک بلند نشود). گویند آن سنگریزه‌ها را از وادی مبارک؛ یعنی وادی عقیق<sup>۴۴</sup> آورد.

۴۹ - محمد بن یحیی... از حسن بصری نقل کرده است:

مسجد رسول خدا - ص - مؤبّدی<sup>۴۵</sup> بود که به دو غلام [یتیم] از انصار به نام سهل و سهیل متعلق بود. پس وقتی پیامبر - ص - آن زمین را دید مورد پسندش قرار گرفت و با عموی آن دو که در حمایت وی بودند در مورد خرید این زمین صحبت کردند. عموی سهل و سهیل زمین را از آن دو خواست آنها پرسیدند به چه منظور و برای که می‌خواهی؟ وی ناچار شد آنها را از حقیقت مطلع ساخته و خواسته رسول خدا - ص - را نزد آنها عنوان کند آن دو گفتند پس ما آن زمین را به آن حضرت می‌بخشیم. آن مرد به رسول خدا واگذار شد و حضرت مسجد خویش را در آن ساختند.

حهن بصری گوید: در این مسجد درخت نخلی دیدم که رسول خدا - ص - به تنه آن از پشت تکیه داده و خطبه می‌خواندند و آن را ترک نمی‌کردند، پس وقتی منبری برای آن حضرت ساخته شد و بر آن نشستند، از درخت مذکور ناله‌ای همانند ناله بچه شتر (که از مادر خود جدا می‌شود) برخاست. رسول

- قضیه تکرار شد سلیمان به وی گفت: بر مقداری رضایت ده که بیشتر از آن نخواهی (چه به سود تو باشد چه به زیان تو) وی نیز ۱۲ هزار قنطار طلا معین کرد سلمیان بر آن افزود و وی را گرمی داشت. گوید خداوند متعال بر سلیمان وحی کرد که اگر آنچه که تو به صاحب زمین دادی متعلق به خودت می باشد پس چنین کن که کردی ولی اگر آنچه که به وی دادی از روزی ما بوده که به تو عطا کرده و مقرر کرده ایم، پس حقش را بده تا کاملاً راضی شود [کنایه از اینکه در خرج آنچه که خداوند به تو داده و از خودت هیچ ندراری امساک نکن] پس ابی بن کعب چنین حکم داد که حق به نفع عباس است. عباس نیز گفت حال که در این مورد به نفع من رأی داده شد من نیز آن را برای مسلمین صدقه قرار می دهم.<sup>۴۷</sup>
- ۵۱- ابی عمر و سعید... از رسول خدا-ص- نقل می کنند:
- «خدا قبر مرا بت قرار ندهد. خداوند لعنت کند قومی را که قبور پیامبرانشان را سجده گاه می نمایند».<sup>۴۸</sup>
- ۵۲- سلمه... از رسول خدا-ص- روایت کرده است:
- «کسی که به حج مشرف شود و قبر مرا پس از مرگم زیارت کند، همانند کسی است که در حیاتم زیارت کرده است».<sup>۴۹</sup>
- ۵۳- محمد بن یحیی... از ام سلمه همسر رسول خدا-ص- نقل کرده است آن حضرت
- فرمودند: «بین خانه و منبر من باغی است از باغهای بهشت».<sup>۵۰</sup>
- ابن ابی عمر در حدیث او می افزاید: «و پایه های منبر من در بهشت ثابت و استوار است».<sup>۵۱</sup>
- ۵۴- ابن ابی عمر و سعید... از سهل بن سعد ساعدی نقل می کند:
- «کسی آگاه تر از من (سهل) به منبر رسول خدا-ص- باقی نمانده است. این منبر از درختی عظیم و بزرگ بود از زمین و بیشه زاری<sup>۵۲</sup> که دیدم رسول خدا-ص- بر آن بالا می رفتند. قبله را پشت خود قرار داده سپس خطبه می خواندند؛ آنگاه خم شده و سپس از پشت به پایین آمده و به سوی قبله سجده (شکر) می گذاشتند».
- ۵۵- سعید و ابن ابی عمر... از یکی از بزرگان انصار نقل می کند پیامبر-ص- فرمودند:
- «منبر من بر راه و گذرگاهی از راههای بهشت قرار دارد».<sup>۵۳</sup>
- «در باب آنچه که در فضل مسجد قبا<sup>۵۴</sup> و نماز خواندن در آن آمده است»
- ۵۶- هارون بن موسی الغروی... از ابن عمر روایت کرده است که:
- «با رسول خدا-ص- به سوی قبا خارج شدیم، آن حضرت در آنجا به نماز می ایستاد»

مسجد بنی معاویه رسیدند. پیامبر - ص - داخل مسجد شده و دو رکعت نماز گزارند، پس از مناجات با پروردگار به سوی اصحاب برگشته و فرمودند: از خداوند سه چیز خواستم دو مورد آن را به من عطا فرمود و سومین آن را منع نمود. از خداوند خواستم که امت مرا به وسیله غرق شدن نابود نکند، اجابت فرمود. خواستم که امت مرا به قحطی و بلا نابود نکند، اجابت فرمود. و اما خواستم که ترس بین امت من قرار ندهد خداوند اجابت نفرمود.<sup>۶۱</sup>

### «در باب حرم قرار دادن مدینه از سوی پیامبر - ص - و حدود حرم آن»

۶۰ - ابو حمه... نقل کرده است:  
 «رسول خدا - ص - خارج شدند تا اینکه به (محلّه) سقیّا در حره رسیده و فرمودند:  
 «بار خدایا! ابراهیم بنده و رسول تو مکه را حرم قرار داد، من نیز مدینه را حرم قرار می‌دهم در آنچه که مابین دو حره است؛ همانگونه که ابراهیم مکه را - تا به آن حد - حرم قرار داد». <sup>۶۲</sup>  
 ۶۱ - ابو حمه... از رافع بن خدیج نقل کرده است که در مدینه در خطبه‌ای می‌گفت:  
 «رسول خدا - ص - مابین دو حره در مدینه را حرم قرار داده‌اند». <sup>۶۳</sup>  
 ۶۲ - ابو مصعب... از انس مثل آن را روایت کرده است. <sup>۶۴</sup>  
 ۶۳ - احمد بن ابی بکر... گفته است: «مابین

انصار نزد ایشان آمده و بر او درود و سلام می‌فرستادند. ابن عمر گوید: به بلال گفتم چگونه دیدی رسول خدا جواب سلام آنها را بدهد؟ بلال گفت: در حالی که همواره مشغول نماز بود با اشاره دست به آنها جواب می‌داد». <sup>۵۵</sup>

[کنایه از اینکه یک لحظه نیز فرصت را از دست نداده بخاطر ثواب زیاد نماز در این مسجد پی‌درپی نماز می‌خوانده‌اند].

۵۷ - ابو علقمة المدینی... از خیف پدر سهل نقل می‌کند که رسول خدا - ص - فرمود:  
 «کسی که در میان خاندان و اهلش وضوی

نیکویی ساخته و سپس به سوی مسجد قبا روان شود در حالی که قصد دیگری جز اقامه نماز در این مسجد نداشته باشد، نماز او به مثابه یک عمره است». <sup>۵۶</sup>

۵۸ - ابن عمر العدنی <sup>۵۷</sup> و سعید... از ابن عمر نقل کرده‌اند:

«دیدم رسول خدا - ص - پیاده و سواره به سوی مسجد قبار می‌آمدند <sup>۵۸</sup> عبدالله بن دینار نیز گوید دیدم که ابن عمر هر شب پیاده یا سواره به مسجد قبا می‌رفت». <sup>۵۹</sup>

### «در باب آنچه که در باره نماز پیامبر - ص - در مسجد بنی معاویه <sup>۶۰</sup> آمده است»

۵۹ - محمد بن المقرئ... از ابی وقاص پدر سعد نقل کرده است:  
 «وی به همراه رسول خدا - ص - بود که به

(مشغول چنین کاری است) تیشه و ریسمان و طناب آنها را بگیر. غلام گفت: آیا لباس آنها را هم بردارم؟ عمر گفت: حکم می‌کنم که حتی خوراکیها و غذای آنها را برداری و بخوری.<sup>۶۹</sup>

۶۸ - محمد بن منصور... از اسماعیل بن محمد نقل می‌کند:

«سعد [بن ابی وقاص] به طرف قصری که در عقیق<sup>۷۰</sup> داشت رفت، غلامی را دید که درخت و شاخه قطع می‌کند پس وسایل وی را برداشته و به منزل خود برد، به هنگام بازگشت صاحبان، این غلام به نزد سعد بن ابی وقاص آمده و از او خواستند آنچه از غلام گرفته است را برگرداند. سعد نیز گفت: نه به خدا سوگند که چیزی را که رسول خدا - ص - آن را بخشیده باز نمی‌گردانم».

۶۹ - محمد بن عبدالله بن یزید المقرئ... از عامر بن سعد روایت می‌کند که: «رسول خدا - ص - مابین دو حره را حرم قرار داد؛ یعنی مدینه را که نباید درختان آن را قطع<sup>۷۱</sup> و یا حیوانی را در آن صید نمود».

۷۰ - ابوحمه... از زید بن اسلم از رسول خدا - ص - مثل آن را روایت کرده است.

۷۱ - ابو مصعب... از ابی هریره نقل می‌کند:

«اگر شتر یا سوسمار ماده‌ای را دیدم که در مدینه مشغول چریدن است آن را نمی‌ترسانم؛ چرا که رسول خدا - ص - می‌فرمود: ما بین دو حره را حرم قرار دادم».<sup>۷۲</sup>

دو حره؛ یعنی مدینه».<sup>۶۵</sup>

۶۴ - ابوحمه... از ابی هریره نقل می‌کند: به همراه رسول خدا خارج شدیم تا به میان قبیله بنی حارثه رسیدیم، حضرت فرمودند: «ای بنی حارثه از حدود حرم خارج شدید سپس نگاه کرده و فرمودند نه اینطور نیست شما هنوز در آن هستید».<sup>۶۶</sup>

۶۵ - ابوحمه... از عبدالله بن ابی قتاده روایت می‌کند رسول خدا - ص - فرمودند: «براستی که من مابین دو حره را حرم قرار دادم».<sup>۶۷</sup>

### در باب تحریم شکار در مدینه و قطع درختان آن

۶۶ - محمد بن یحیی... از شرحبیل بن سعد، روایت می‌کند:

زید بن ثابت بر مردمی در دیوار مدینه وارد شد که دامهای خود را بر آن می‌گسترانیدند، بر سر آنها فریاد زد و گفت: «آیا نمی‌دانید که رسول خدا - ص - شکار در مدینه را حرام کرده است؟!».<sup>۶۸</sup>

۶۷ - ابن ابی عمر... از عبدالکریم بن ابی المخارق روایت می‌کند:

«عمر بن خطاب به ناحیه‌ای در مدینه رفت. غلامی را دید که به کسانی که در باغی بودند متعلق به وی گفت: آیا کسی در آنجا آمده است تا هیزم و چوب بکند؟ غلام گفت: بلی. عمر به وی گفت: اگر کسی از آنها را دیدی

این غلام از ما است هرچه از وی گرفته‌ای بازگردان. سعد پاسخ داد: شنیدم رسول خدا - ص - می‌فرمود: «هرکسی را یافتید که درختی از درختان مدینه را قطع و یا از بین می‌برد و سایل او را بردارید، پس چیزی را که رسول خدا - ص - آن را بخشیده، باز نمی‌گردانم».<sup>۷۶</sup>

۷۶ - ابوحمه... از ابوقره نقل می‌کند: «از مالک شنیدم که در حریم مدینه می‌گفت: چیزی از شکار در بین آن (حرم) نباید گرفته شود و درختان آن نیز نباید قطع شود».<sup>۷۷</sup>

۷۷ - ابوحمه... از عبدالکریم نقل می‌کند: «عمر بن خطاب به غلام قدامه بن مظعون گفت: تو را بر این هیزم شکنان مراقب قرار می‌دهم پس اگر کسی از آنها را یافتی که در بین حرم مدینه مشغول کنند درخت و هیزم است، تیشه و طناب و وسایل آنها مال تو. غلام گفت: و لباسشان نیز؟ عمر گفت این دیگر زیاده خواهی است».<sup>۷۸</sup>

۷۸ - ابوحمه... از عبیدالله بن سالم نقل می‌کند:

«غلامی که عمر بن خطاب مراقب هیزم شکنان قرار داده بود نامش ابو عبیدالله است».

و سپاس مخصوص خداوند و درود او بر محمد و آل او باد.

پایان یافت در دهه آخر ربیع الأول سال ۵۴۸ در شهر دمشق.

۷۲ - ابوحمه... از همو نقل می‌کند: «اگر بزکوهی را ببینم که مشغول چریدن و خوردن گیاه در بین دو حره است، آن را نمی‌دانم». وی سپس گوید: «رسول خدا - ص - عمل کسی را که درخت آن را قطع و یا لگدمال کند را حرام نموده است».

۷۳ - ابوحمه... از مردی نقل می‌کند که می‌گفت:

«زید بن ثابت بر من وارد شد در حالی که من در اسواف<sup>۷۳</sup> پرنده‌ای را در بند نموده بودم که وی آن را از دست من گرفت و رها ساخت».<sup>۷۴</sup>

۷۴ - ابوحمه... از زید بن اسلم نقل می‌کند رسول خدا - ص - فرمودند:

«اگر کسی را یافتید که از کوه (محدوده حرم) چیزی (درختی) قطع می‌کند و سایل آن را بردارید». وی سپس گفت: «رسول خدا مابین دو حره در مدینه را حرم قرار داده است».<sup>۷۵</sup>

۷۵ - ابوحمه... از عبدالله بن عمر نقل می‌کند:

«سعد بن ابی وقاص کسی را در عقیق دید که درختی از آنجا را می‌برید یا می‌شکست، پس سعد بن ابی وقاص تیشه وی را گرفته و شکست. غلام یا بنده مذکور به نزد اربابان خود رفته و آنها را از این مسأله با خبر ساخت. آنها همراه غلام به سوی سعد آمده و گفتند:

## پاورقی‌ها:

- ۱ - علی بن حسین بن هبة الله شافعی، معروف به حافظ ابن عساکر، محدث سرزمین شام و صاحب کتاب تاریخ دمشق است که در سال ۴۴۹ هـ. در دمشق متولد و در سال ۵۷۱ هـ. در آن شهر وفات یافت (الأعلام، ج ۵، ص ۸۲)
- ۲ - حسین بن عبدالملک اصفهانی الخلال، اهل اصفهان در صفر سال ۴۴۳ متولد و از احمد بن محمود ثقفی و ابراهیم بن منصور سبط بحرویه روایت می‌کرده است. وی در ۱۱ جمادی الأولى سال ۵۳۲ هـ. وفات یافت (الذهبی، سیر اعلام النبلاء، خطی، ج ۱۲، ص ۱۴۲)
- ۳ - ابراهیم بن منصور سلمی اصفهانی معروف به سبط بحرویه در سال ۳۶۲ متولد شد. وی از ابن المقرئ روایت می‌کرده و سعید بن ابی الرجاء نیز از وی حدیث نقل می‌کرده است. وی در ربیع الاول سال ۴۵۵ هـ. وفات یافت (الذهبی، سیر اعلام النبلاء خطی، ج ۱۱، ص ۱۶۴)
- ۴ - محمد بن ابراهیم اصفهانی (ابن المقرئ) صاحب معجم و سفرنامه‌های زیادی است که در سال ۲۸۵ متولد و در شوال ۳۸۱ وفات یافت. (الذهبی، همان کتاب، ج ۱۰، ص ۴۹۳)
- ۵ - حره یا الابه، زمینی است دارای سنگهای سیاه و سوزان که مدینه را احاطه کرده است. (ابن اثیر، جامع الاصول، ج ۹، ص ۳۰۹)
- ۶ - سقیا نام مسجد و چاه و روستایی است در حره غربی مدینه منوره که پیامبر - ص - به هنگام جنگ احد در کنار چاههای این محله استراحت کرده و از آب آن وضو ساخته‌اند. در مکانی که آن حضرت نماز گزار شدند، مسجدی ساختند که به مسجد سقیا معروف شد اکنون مسجدی بنام سقیا در همان مکان؛ یعنی در داخل محوطه ترمینال مدینه در کنار میدان عنبریه قرار دارد که بعضی گویند همان مسجد و مکانی است که پیامبر - ص - نماز گزارده و بعضی گویند مسجد سقیا خراب شده و این مسجد بعدها ساخته شده است و در مکان اصلی نماز پیامبر - ص - نمی‌باشد. «مترجم»
- ۷ - حُم، محلی است بین مکه و مدینه که چشمه‌هایی در آنجاست و آبها بدانها می‌ریزد (النهایه، معجم البلدان) [کنایه از این که همانظوری که آبها در این مکان فرو می‌رود بیماریهای مدینه نیز به همین‌گونه به این مکان فرو رفته و محو شود «مترجم»].
- ۸ - هیشمی در مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۳۰۴ گوید که این حدیث را احمد روایت کرده و رجال او نیز موثق می‌باشند.
- ۹ - جامع الأصول، ج ۹، ص ۳۲۶، بنگرید به صحیح مسلم: کتاب حج، باب فضل المدینه و ترمذی فی اللدعات.
- ۱۰ - جامع الاصول، ج ۹، ص ۳۲۰، بنگرید صحیح بخاری در «البیوع»، باب بركة صاع النبی - ص - و مده و صحیح مسلم در حج باب فضل المدینه.
- ۱۱ - الجحفة (به ضم جیم و سکون حا) دهکده‌ای بزرگ است در راه مدینه و مکه، معجم البلدان یا قوت حموی، ج ۳، ص ۶۲ این قریه نسبتاً توسعه یافته و یکی از مکانهای میقات حج می‌باشد. حجاجی که ابتدا به مکه می‌روند در این مکان محرم خواهند شد. وجه تسمیه آن به جحفه این است که سیل این دهکده را ویران نمود، از این رو گفتند: «جف السیل»، سیل به آن اجحاف نمود و از آن هنگام به جحفه معروف شد. «مترجم»

- ۱۲ - جامع الأصول، ج ۹، ص ۳۲۳. بنگرید بخاری، فضائل مدینه، صحیح مسلم، الحج باب الترغیب فی سکنی المدینه و الصبر علی لاوائها همچنین بنگرید به شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۷ «مترجم».
- ۱۳ - جامع الأصول، ج ۹، ص ۳۳۷، بنگرید بخاری: المغازی، باب احد جبل یحبنا و نحبه و صحیح مسلم در حج باب: احد... و ترمذی در المناقب.
- ۱۴ - جامع الأصول، ج ۹، ص ۳۳۷، بنگرید صحیح بخاری در الجهاد، المغازی و الدعوات و صحیح مسلم در حج باب احد جبل... و ترمذی در المناقب.
- ۱۵ - جامع الأصول، ج ۹، ص ۳۳۸، در این منبع آمده است که الموطأ آن را نقل کرده و محقق جامع الاصول گوید: امام مالک در الموطأ در جامع باب جامع ما جاء فی امر المدینه از حدیث هشام بن عروه و از عروه نقل کرده است که این حدیث نزد جمیع راویان مالک مرسل است و من می گویم نزد غیر راویان مالک این حدیث موصول است همانگونه که در حدیث قبل آن آمده و حدیثی است صحیح.
- ۱۶ - هیشمی در مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۱۳ گوید که آن را به اختصار در صحیح گفته ام و طبرانی آن را در اوسط به روایت کثیر بن زید آورده است و احمد و غیر آن وی را ثقة دانسته اند که در آن بحث است.
- ۱۷ - مروان بن حکم بن ابی العاص بن... از بنی امیه؛ وی همانند پدرش حکم مدتی در مدینه با تظاهر به اسلام نزد پیامبر - ص - بود لیکن برای مشرکین و منافقین مدینه جاسوسی می کرد؛ بطوری که پیامبر - ص - ناچار شد او را به همراه پدرش تبعید نماید (ابن سعد، طبقات، ج ۵، ص ۲۴) آن دو همواره در دوران خلیفه اول و دوم در تبعید بودند و در دوران عثمان بازگردانده شدند. حتی مروان مشاور خلیفه شد. وی سرانجام قدرت خود را بدست گرفت و سلسله بنی مروان از بنی امیه را پایه گذار شد. «مترجم».
- ۱۸ - رافع بن خدیج بن رافع بن عدی بن یزید بن الأوس الأنصاری الحارثی، ابو عبدالله، و ابو خدیج در زمان عثمان وفات یافت. (الاصابه، ابن حجر، ج ۱، ص ۴۹۵)
- ۱۹ - هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۲۹۸ این حدیث را با عباراتی مشابه و نزدیک از رافع بن خدیج نقل کرده است و گوید طبرانی آن را به نقل از محمد بن عبدالرحمان بن داود که بر ضعف وی اجماع شده، ذکر کرده است.
- ۲۰ - هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۳۰۹ دو حدیث با عباراتی مشابه، روایت کرده است. وی گوید: بعضی از این احادیث را در صحیح گفته ام و احمد نیز آن را روایت کرده و رجال او نیز رجال صحیح هستند. برهان نوری در کنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۴۷ نیز آورده و گوید: امام احمد و ابویعلی و طبرانی و حاکم آن را روایت کرده اند. همچنین بنگرید به شیخ صدوق من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۷ - شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۲ «مترجم».
- ۲۱ - جامع الأصول، ج ۹، ص ۳۲۷، بنا به روایت بخاری و مسلم در فضایل مدینه و در حج، طوسی، همان کتاب، ج ۶، ص ۱۲ «مترجم».
- ۲۲ - همچنین بنگرید بخاری، حدیث ۱۸۷۶؛ مسلم حدیث ۱۴۷؛ ابن ماجه حدیث ۳۱۱۱ «مترجم».
- ۲۳ - یکی از اسامی مدینه اکاله البلدان است «مترجم». در جامع الأصول، ج ۹، ص ۳۲۰ آمده است: خداوند اراده کرده است که اسلام را بوسیله ساکنین مدینه که انصار می باشند یاری دهد و بدست ایشان سرزمینهای فتح و غنیمتهایی بدست آید که آن را مورد بهره برداری قرار دهند. از پیامبر - ص - نقل شده است که اولین کسانی که از امت من روز قیامت مورد شفاعت من قرار می گیرند اهل مدینه هستند (هیشمی، همان کتاب، ج ۱۰، ص ۵۳). «مترجم».
- ۲۴ - در جامع الأصول، ج ۹، ص ۳۲۰ آمده است: یثرب نام شهری است که پیامبر - ص - به آن وارد شده



- پس حضرت نام آن را به طیبه و طابه (صیغه مبالغه) تغییر دادند، برای مدینه حدود ۷۰ نام ذکر کرده‌اند که سمهودی و ابن شبه و دیگران آن را ذکر کرده‌اند. «مترجم»
- ۲۵ - هیشمی در مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۳۰۰ گوید: احمد و ابویعلی آن را روایت کرده و راویان آنها نیز ثقه هستند.
- ۲۶ - در جامع الأصول، ج ۹، ص ۳۱۹: تنفی جنشها.
- ۲۷ - أحمد بن محمد، معروف به ابن ابی بزة المقرئ، ج ۱، ص ۲۵۴.
- ۲۸ - امام مسلم در حج «باب من اراد اهل المدینه بسوء اذابه الله»، بنگرید: جامع الاصول، ج ۹، ص ۳۲۵ و هیشمی در مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۳۰۹ گوید: احمد آن را نقل کرد. و رجال او صحیح است. همچنین بنگرید به ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۳۱ «مترجم».
- ۲۹ - در صحیح مسلم در کتاب حج، باب ترغیب فی سکنی المدینه و الصبر لاولئها، ترمذی در مناقب، هیشمی در، ج ۳، ص ۳۰۰ گوید: طبرانی آن را در الکبیر آورده و رجال او نیز ثقه هستند، همچنین بنگرید: ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۳۲ «مترجم».
- ۳۰ - همانجا، همچنین بنگرید: ابن نجار، همان کتاب، ص ۳۱. (مترجم)
- ۳۱ - مسلم در حج باب «فضل مدینه» - از علی - ع - نقل شده است که مکه حرم خداست و مدینه حرم رسول او و کوفه حرم من است. هیچ جبار و ستمگری اراده سوء به آن نمی‌کند جز آنکه خداوند وی را درهم می‌شکند».
- شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۲. «مترجم»
- ۳۲ - بنگرید: پاورقی احادیث ۲۸ - ۲۵.
- ۳۳ - کنز العمال، (متقی الهندی)، ج ۱۲، ص ۲۳۵ به روایت ابن حبان از جابر.
- ۳۴ - جامع الأصول، ج ۹، ص ۳۱۵ - احادیث زیادی در مورد زندگی و سکونت در مدینه و مردن در این شهر، از پیامبر - ص - نقل شده است: از جمله اینکه کسی که در مدینه بمیرد خداوند او را روز قیامت ایمن مبعوث می‌گرداند. کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۵۸ - شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۳. همچنین از پیامبر - ص - نقل شده است: کسی که قدرت آن را داشته باشد تا در مدینه ساکن شده و در آنجا بمیرد پس چنین کند که من برای کسی که در آن شهر بمیرد در روز قیامت شفیع او خواهم بود (شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۸ - شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵ - ترمذی، حدیث ۳۹۱۷ - ابن ماجه حدیث ۳۱۱۲ - ابن حجر هیشمی، تحفة الزوار الی قبر النبی المختار، ص ۱۴. «مترجم»
- ۳۵ - جامع الاصول، ج ۹، ص ۳۱۵.
- ۳۶ - همانجا.
- ۳۷ - مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۳۰۶ - ابن نجار، همان کتاب، ص ۳۱. «مترجم»
- ۳۸ - جامع الاصول، ج ۹، ص ۳۱۸.
- ۳۹ - بخاری، ج ۳، ص ۵۷ در تطوع «باب مسجد بیت المقدس» - مسلم، شماره ۸۲۷ در حج - ترمذی حدیث ۳۲۶ در صلوة - همچنین بنگرید: کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۵۵ - طوسی، همان کتاب، ج ۶، ص ۱۵. «مترجم»
- ۴۰ - مسلم، حدیث ۱۳۹۸ در باب حج - ترمذی حدیث ۳۰۹۸ در تفسیر، نبائی، ج ۲، ص ۳۶ در مساجد ذکر المسجد الذی اسس علی التقوی.
- ۴۱ - اشاره است به آیه کریمه «المسجد اسس علی التقوی من اول یوم آخق أن تقوم فیه، فیه رجال یحبون ان

يَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يَجِبُ الْمَطَهَّرِينَ (توبه: ۱۰۸) اکثر مفسرين و مورخين شأن نزول اين آيه را مسجد قبا دانسته‌اند که اولين مسجدی است که بدست پیامبر - ص - و یارانشان ساخته شده است؛ زیرا پیامبر - ص - هنگام هجرت به مدینه در ابتدا وارد قبا شده و در چهار روزی که در آنجا متوقف شدند اولين مسجد را بدست خویش بنا نهادند. «مترجم»

۴۲ - جامع الاصول، ج ۹، ص ۳۳۰.

۴۳ - در آن زمان چون هنوز شام بدست مسلمين فتح نشده بود، مسجدی نیز طبعاً در آن سرزمین وجود نداشته است که بخواهند از بنای آن تقلید کنند، احتمالاً منظور معبد بوده که کاتبين اشتباهاً مسجد نوشته‌اند. «مترجم»

۴۴ - عقیق، این وادی، بر سه بخش «صغیر»، «کبیر» و «اصغر» تقسیم می‌شده است. قسمت کبیر آن در دست علی - ع - بوده و جمعاً ۲۳ چاه بوسیله ایشان در این منطقه حفر شده و امروزه مکان شجره بخاطر چاههایی که متعلق به علی - ع - بوده به ایبار علی معروف است. از پیامبر - ص - احادیث زیادی در فضل وادی عقیق روایت شده است. آن حضرت این وادی را وادی مبارک خوانده‌اند (ابن شبه، اخبار مدینه، ج ۱، ص ۱۴۸) از آن حضرت نقل شده است که جبرئیل بر ایشان نازل شد و از جانب خداوند فرمود: در این وادی مبارک نمازگزار (محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الأصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۵۶۶). «مترجم»

۴۵ - مرتباً مکانی است برای نگهداری گوسفند و شتر و یا مکانی است برای خشکانیدن خرما. «مترجم»

۴۶ - سبهودی، وفاء الوفا، ج ۳ - ۴، صص ۳۲۴، ۳۸۸ به بعد.

۴۷ - پیشین، ج ۲، ص ۴۸۳، ۴۸۴.

۴۸ - اصل این حدیث که به نقل از عایشه و ابوهریره است و در معدود منابع اهل سنت دیده می‌شود، چنین است: «لعن الله اليهود و التّصاری اتخذوا قبور انبيائهم مساجد = خداوند یهود و نصاری را که قبور پیامبران را سجده‌گاه خویش قرار دادند لعنت کند.» این حدیث که سلسله راویان آن معین نیستند، صرفاً از ابوهریره و بعضاً از عایشه نقل شده است. همانگونه که می‌دانیم بسیاری از احادیث ابوهریره با پول و امکانات معاویه و بنی‌امیه ساخته شده و در آن هیچ شکی نیست و کتابهایی نیز در این باره نوشته شده است از جمله «ابوهریره»، تألیف سید عبدالحسین شرف‌الدین، اصحاب ابن تیمیه؛ یعنی محمد بن عبدالوهاب و پیروان او با استاد به چنین حدیثی عمل خویش را در تخریب مساجدی که قبری از بزرگان و صحابه در آن است و یا تخریب گنبد و بارگاهی که بر قبور مدینه و مکه بنا شده است را توجیه می‌نمایند. طبق این حدیث ساختگی باید کلیه مساجد و یا گنبدهایی که بر قبور ساخته شده را تخریب نمود و بنابر فتوای وهابیت، اگر قبری در داخل مسجد وجود دارد نباید در آنجا نماز خواند و باید آن قبر را از آن مکان نبش و جسد موجود را به قبرستان عمومی منتقل نمود. بنابر فتاوی ابن تیمیه و عبدالوهاب اقامه نماز در کنار قبور و یا در اینگونه مساجد حرام است (ر - ک به فتاوی الإسلامیه، سعید عبدالعظیم، ص ۶۴، ۶۵) حکام آل سعود در ابتدای به قدرت رسیدن در شبه جزیره با استفاده از این فتاوی بسیاری از مساجد و آثار تاریخی و یا مقابر و گنبدها را بویژه در بقیع و قبرستان ابوطالب منهدم و تخریب ساختند و حتی ملک عبدالعزيز نیز جسارت را تا جایی رسانید که مصمم شد قبر پیامبر - ص - را پس از تخریب گنبد و بارگاه آن، از مسجدالنبی خارج سازد، لیکن از ترس اعتراضات مسلمانان جهان از چنین اقدامی منصرف شد. اصحاب ابن عبدالوهاب برای توجیه این حدیث (عدم جواز نماز در کنار مقابر از جمله قبر رسول خدا - ص -، به ناچار اظهار داشتند که مقبره رسول خدا - ص - در مسجد نیست و در خانه عایشه است و خانه عایشه جزو مسجدالنبی نمی‌باشد و در توسعه‌های بعدی در مسجد داخل

- شده است لذا از شمول این حدیث مستثنی است و در حقیقت می‌گویند: پیامبر - ص - در مسجد مدفون نیست لذا اگر چنین باشد بنابر فتوای ابن تیمیه یا باید مسجدالنبی را تخریب کرد و یا نعوذبالله قبر آن حضرت را از آن مکان خارج ساخت که بحمدالله از ترس افکار عمومی مسلمین، تاکنون به خود جرأت دست زدن به چنین جسارتی را نداده‌اند. «مترجم»
- ۴۹ - مجمع‌الزوائد، ج ۴، ص ۲، وفاء الوفاء ج ۴، ص ۱۳۴؛ در صحت این روایت عده‌ای تردید کرده‌اند.
- ۵۰ - جامع‌الاصول، ج ۹، ص ۳۲۹ - ۳۳۰.
- ۵۱ - پیشین، همانجا.
- ۵۲ - این مکان در ۹ مایلی مدینه قرار دارد.
- ۵۳ - مجمع‌الزوائد، ج ۴، ص ۹ به نقل از احمد و طبرانی.
- ۵۴ - قبا در اصل نام چاه و محل سکونت قبیله بنی عمرو بن عوف انصاری بوده است. بعضی آن را قبه خوانده‌اند (معجم‌البلدان، ج ۴، ص ۳۰۱). «مترجم»
- ۵۵ - وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۸۰۳.
- ۵۶ - ابن ماجه، اقامة الصلاة، باب «ما جاء فی الصلاة فی المسجد قبا» حدیث ۱۴۱۲.
- ۵۷ - محمد بن یحیی بن ابی عمر العدنی از اهالی مکه است. (الانساب، ج ۸، ص ۴۰۸)
- ۵۸ - بخاری، ج ۳، ص ۵۶ - مسلم، حدیث ۱۳۹۹ - الموطأ، ج ۱، ص ۱۶۷ - نسائی، ج ۲، ص ۳۷ ابوداود حدیث ۲۰۴۰.
- ۵۹ - همانجا.
- ۶۰ - مسجد بنی معاویه، همان مسجد الاجابه کنونی است که اکنون در خیابان ملک فیصل (شارع ستین سابق) کمی بالاتر از مستشفى الولادة و الاطفال و در سمت راست خیابان واقع است. بعضی گویند: پیامبر - ص - در این مکان با نصارای نجران مباحله نمود و لذا به مسجد مباحله معروف شد و بعضی نیز بخاطر دعای رسول الله در این مکان که سریعاً به اجابت رسید نام مسجد را الاجابه گذاشته‌اند. (مترجم)
- ۶۱ - مسلم، حدیث ۲۸۹۰؛ در «فتن و اشراط الساعة باب هلاک هذه الأمة بعضهم ببعض».
- ۶۲ - بنگرید: حدیث شماره ۱، از امیرالمؤمنین علی - ع - نقل شده است که مکه حرم خداست و مدینه حرم رسول خدا - ص - و کوفه حرم من است هیچ ستمگری نسبت به آن ستمی نمی‌کند جز آنکه خداوند، او را در هم می‌شکند (کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۳ - طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۲). «مترجم»
- ۶۳ - مسلم، حدیث ۱۳۶۱، «الحج، باب فضل المدینه».
- ۶۴ - بنگرید: به حدیث شماره نهم
- ۶۵ - بخاری، ج ۴، ص ۷۷ - مسلم، حدیث ۱۳۷۲ - الموطأ، ج ۲، ص ۸۸۹ - ترمذی، حدیث ۳۹۱۷ از امام صادق - ع - نقل شده است؛ رسول خدا - ص - فرمودند: «مکه حرم خداست که ابراهیم آن را حرم قرار داد و مدینه حرم من است که مابین دو حره را حرم قرار دادم که درخت آن را نباید قطع کرد. (کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۴) «مترجم».
- ۶۶ - وفاء الوفاء، ج ۱، ص ۱۰۴.
- ۶۷ - مجمع‌الزوائد، ج ۳، ص ۳۰۴؛ هیشمی گوید: احمد آن را روایت کرده و روایانش ثقه هستند.
- ۶۸ - مجمع‌الزوائد، همانجا - شیخ طوسی در تهذیب الأحکام احادیثی دال بر حرام بودن شکار در مدینه گزارش کرده است. بنگرید: ج ۶، ص ۱۳ - همچنین شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۶ - «مترجم»

- ۶۹- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۱۰۸.
- ۷۰- معجم البلدان، ج ۶، ص ۱۹۹.
- ۷۱- بنگرید: حدیث شماره یازدهم؛ همچنین کلینی، همان، ج ۴، ص ۵۶۳- صدوق، همان، ج ۲، ص ۳۳۶- طوسی، همان، ج ۶، ص ۱۳. «مترجم»
- ۷۲- بخاری، ج ۴، ص ۷۷- مسلم، حدیث ۴۱۳۷۱ الموطأ، ج ۲، ص ۸۸۹- ترمذی ۳۹۱۷.
- ۷۳- نام حرم مدینه است که گویند مکانی است در ناحیه بقیع و مکان صدقه زید بن ثابت انصاری است (معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۴۸).
- ۷۴- مالک، الموطأ، ج ۲، ص ۸۹۰- امام احمد و طبرانی نیز آن را روایت کرده‌اند.
- ۷۵- مجمع الزوائد، ج ۳، ص ۳۰۳.
- ۷۶- بنگرید: حدیث شماره ۶۷.
- ۷۷- شیخ صدوق، همان کتاب، ج ۲، ص ۳۳۶- طوسی، همان کتاب، ج ۶، ص ۱۳. (مترجم)
- ۷۸- وفاء الوفا، ج ۱، ص ۲۰۸.